

«فضل را برونه تو فهم گفت پس آن مرد»

کفرانه ۳

«تجربت» را

بروای فکر و فرم و معنا صفت

برعکس رنده یاد و صیده

که عمرش به آفر رسیده

و قافیه که مرا در نما کند

بر زخ «بازگشت»

نه «مشاق» را به جوقی رساند

نه «نشاط» کلی بر دامن شرافت

«آهوس و قضا» مادود در دست

و قضا آغوش در آغوش

ما رقصه

شود

آزادی

+

+

+

۲۱۰
۱۹۹۸

کفرانه ۵

مرا فصل، حضرت

اما ملا چنان دلا ماند؟

+

+

+